



دستگیر نایل

کلاه و تاج و تخت

به ملک خسروی اینقدر، جلوه گاهت بس
کلاه سروری و تخت و بارگاهت بس
به روی بیگنهان، از چه میکشی شمشیر
همینکه ما شده ایم، کشسته ی نگاهت بس
شهادت زن و فرزند و کودک معصوم
زیمین دولت تو شد، همین گناهت بس
زمرگ بیکفنان، خون نشد دلت، ظالم
به اشک بیوه زنان، خنده ی پگاهت بس
توهفت سال بدی رهبر و چه میخواهی؟
ترا نماز ریایی و خانقاهت بس
گذشتنیست همه نیکی و بدی جهان
ولیک میهن من، دوره ی سیاهت بس
دریغ ملت افغان پر غرور که گشت
غریب مردم بیگانه در نگاهت بس
به زور «غیر» کنی خانه های ما، ویران
خدای کعبه ی دل میکند تباهت بس
به استان خسان سرمنه زغم ای دل
خدا چو هست پنا گاه تو، پناهت بس
به روح پاک شهیدان راه آزادی
دعای نیمه شب و آه صبحگاهت، بس

(لندن جون 2009)